

Passing from constitutionalism to the riddle of the first republic, Confrontation of two world policies with the phenomenon of republic in the jungle movement led by Mirza Kuchak Khan

Mohammad Hossein Ismaili Sangari^{1*}

Received on: 31/05/2020

Accepted on: 18/11/2020

Abstract

Simultaneously with the establishment of the government and the power of the revolutionaries of the Jungle Movement in Gilan (1299-1296 AD), the attention of the revolutionaries and the nascent government of the October Revolution of 1917 was drawn to them. The multi-stage process of the forest movement indicates its transition from several types of system of government and symmetrical ideology that it always pursued a change in the authoritarian and old system of monarchy and finally it succeeded; it formed the first republican system in Iran; but fell soon. This documentary study examines this question with an explanatory-interpretive approach and analytical-explanatory method; "Why and how did the first government of the Republic of Iran fall through the forest movement?" The hypothesis states the answer: The government of the forest movement led by Mirza Kuchak had reached the riddle of an absurd government after the formation of the first republic; as a result, he was seriously incapacitated and fell. Analysis and interaction of two factors of sensitivity and vulnerability, the process of transition challenges and the decline of the forest state makes sense. The overall conclusion of the study shows: the sensitivity of Iranian society in central and Gilan to the Provisional Forest Government had increased to a very high level; At the same time, the Jungle Movement government was faced with the mystery of an absurd state. These conditions were accompanied by the policy of overthrowing the British government; and put an end to the socio-political life of the forest movement.

Keywords: Vulnerability, forest movement, council republic, sensitivity, absurd government.

^{1*}. Assistant Professor of Political Sciences, Guilan University.
(Corresponding Author: msangariam@guilan.ac.ir)

گذار از مشروطیت تا معمای اولین جمهوری، مصاف دو سیاست جهانی با پدیده جمهوریت در جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان

محمدحسین اسماعیلی سنگری^{۱*} تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۷

چکیده

مقارن پای‌گیری دولت و قدرت انقلابیون جنبش جنگل در گیلان (۱۲۹۶-۱۲۹۹. ش)، توجه انقلابیون و دولت‌نویای انقلاب اکتبر ۱۹۱۷. م، به آنها جلب شد. فرایند چندمرحله‌ای جنبش جنگل، نشانگر گذار آن از چند نوع نظام حکومتی و ایدئولوژی متقارن است که همواره تغییر در نظام استبدادی و کهنه سلطنت را تعقیب می‌کرد و سرانجام موفق شد؛ اولین نظام جمهوری در ایران را شکل دهد؛ اما زودهنگام سقوط کرد. این پژوهش اسنادی با رویکرد تبیینی-تفسیری و با روش تحلیلی-توضیحی، به بررسی این سؤال می‌پردازد: «چرا و چگونه اولین دولت جمهوریت ایران توسط جنبش جنگل، سقوط کرد؟» فرضیه‌ی جواب بیان می‌کند؛ دولت جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک پس از تشکیل اولین جمهوریت به معمای دولت پوچ رسیده بود؛ از این رو آسیب جدی دید و سقوط کرد. تحلیل و تعامل دو عامل حساسیت و آسیب‌پذیری، فرایند چالش‌های گذار و افول دولت جنگل را معنادار می‌سازد. نتیجه‌گیری کلی پژوهش نشان می‌دهد؛ حساسیت جامعه ایران در مرکز و در گیلان در برابر دولت موقت جنگل، در سطحی بسیار بالا افزایش یافته بود؛ همزمان دولت جنبش جنگل با معمای دولت پوچ مواجه شده بود. این شرایط هم‌ردیف با سیاست براندازی دولت انگلیس همراه شد؛ و به عمر سیاسی-اجتماعی جنبش جنگل پایان داد.

واژگان کلیدی: آسیب‌پذیری، جنبش جنگل، جمهوریت شورایی، حساسیت، دولت پوچ.

مقدمه

ورود اندیشه‌ی جمهوریت به‌عنوان بدیل نظام سلطنت، به دوره قاجار و قبل از حکومت ناصرالدین‌شاه برمی‌گردد؛ آبخشور آن دو مکان متفاوت با دو گرایش متعارض بود. یک نقطه‌ی آن به انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه می‌رسید و موج آن توسط روشنفکران و تحصیل‌کنندگان ایرانی نظیر میرزا ملکم خان و طرفداران آنها به ایران می‌رسید. اما موج دوم آن از انقلاب ۱۹۱۷ شوروی الهام می‌گرفت؛ انقلابیون شوروی و سوسیال‌دمکرات‌های قفقاز از جمهوریت در ایران پشتیبانی نمودند. جنبش انقلابی جنگل به رهبری میرزا کوچک جنگلی برای اولین بار پدیده‌ی جمهوریت در ایران را طرح نمود و به اجرا درآورد. هرچند سابقه حضور و فعالیت رهبران جنبش جنگل همزاد جنبش مشروطیت ایران ۱۲۸۵. ش بوده؛ اما حضور رسمی و مؤثر آنها سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۹ ایران و تحولات گیلان را پوشش می‌دهد. نهضت انقلابی جنگل در ابتدا همزمان در نزاع با نظام سلطنت و پادشاهی، نسبت به استقرار نظام مشروطه سلطنتی و اهداف و آرمان‌هایش شاهد آسیب‌پذیر شدن مشروطه بود. از این رو، پس از سرکوب مشروطه و تشتت داخلی رهبران مشروطه و آسیب‌هایی که از درون و بیرون بر جنبش مشروطه وارد شد؛ به‌نظام اتحاد اسلام و تشکیل امت اسلامی گذار نمود. همچنین در نزاع منطقه‌ای پیام ایدئولوژیک امت اسلامی را ندا می‌داد و به ایجاد تشکل در رشت و شمال ایران مبادرت ورزید. اما سیستم جهانی قدرت و قدرت‌های بزرگ جهانی با آسیب‌پذیر نمودن دولت عثمانی توانست؛ علاوه بر کنترل و سرکوب فعالان حوزه‌ی سیاسی اتحاد اسلام و امت اسلامی، در سطح منطقه‌ای نیز توانست؛ به جنبش‌ها و نهضت‌های جمهوریت خواه از جمله نهضت جنگل بقبولاند که این ایدئولوژی در این شرایط قابلیت اجرا ندارد. در گذار بعدی و در وضعیت آنارشی حذفاصل سال‌های جنگ جهانی اول، انقلابیون نهضت جنگل و میرزا کوچک جنگلی با موج سوسیال‌دموکرات‌هایی از منطقه قفقاز و از جانب رفقای مواجه بود که می‌خواستند؛ به‌طور مستقیم اهداف انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ را در ایران بازتکرار نموده و از موضوع جمهوریت در قالب جنبش جنگل و ایجاد دولت نیمه‌مستقل حمایت کنند. جنبش جنگل اما این بار بدان سمت گرایش یافت؛ اما پس از موفقیت ابتدایی و تشکیل دولت جمهوری، خود را در شرایط ویژه‌ای یافت. این شرایط همان وضعیتی است که تحت عنوان معمای دولت پوچ در این مقاله به آن پرداخته شده است. جنبش جنگل در آن حال و وضعیت نیاز مبرم داشت؛ تا ایدئولوژی و پیام‌ها و برنامه‌های فراتر و جذاب‌تر و کاراتر

خود را به منصفی ظهور رساند؛ همچنین در مصاف با رقبا تأثیرات مقتضی را برجای نهد. اما دولت جنگل نتوانست و نمی دانست؛ چگونه باید در همه‌ی عرصه‌ها عمل نماید. پتانسیل و ظرفیت‌های درونی موجود آن قادر به تولید و پردازش خروجی‌های برتر از رقیب نیست. از قبل هم خود را مهیای آن ننموده و ذخیره و پیشینه‌ی تاریخی آن نیز خالی است. فقط به یقین می دانست که چه نمی خواهد؛ اما نمی دانست چه می خواهد و چگونه.

آنچه این پژوهش به آن توجه نموده است؛ رخدادهای پس از تشکیل اولین دولت جمهوریت توسط جنبش جنگل است؛ موضوعی که توسط این مقاله تحت عنوان معمای دولت پوچ نامیده شده است. آنچه مربوط به دولت جمهوریت شورایی موقت جنگل و در رأس آن میرزا کوچک خان در حوزه‌ی جغرافیایی فومنات و رشت و مرکز است؛ حاکی از آن است که این دولت در چارچوب نظری منطقه‌گرایی منطقه‌ای نهادمند در جرگه‌ی دولت‌های پوچ محسوب می شود. زیرا در مواجهه با معمای دولت نوپدید از عهده‌ی کارکرد سیستمی و نیز نظام‌مندی مناسب در توزیع قدرت بین کارگزاران برنامده و در ساختارمندی و ارائه نظام اندیشه‌گی سیاسی و مدیریت آن نتیجه موفقیت نداشته است. در واقع، جنبش فرایندهای نوین و سیستم کارآ در درون خود نداشت. حساسیت و آسیب‌پذیری متفاوت آن با دیگر نظام‌های سیاسی مغایر هم‌عصرش، تنها جانب انکار و طرد داشت؛ ولی در مرحله اثبات نظری و ثبوت کارکردی تنها آسیب‌پذیری داشت. از این رو، جنبش جنگل در طی زمان دولت‌مداری موقت خود در مقام مقایسه با دیگر طرف‌های درگیر (داخل و خارج) دارای حاصل جمع صفر بوده است. توضیح بیشتر آنکه جنبش انقلابی جنگل در مقابل قدرت مستقر در پایتخت به هیچ پایه‌ی توافق مشترک و نیم‌بندی نرسید و نماینده دولت را مایوسانه به تهران برگرداند. همچنین با دولت نماینده انگلیس، تا دقیقه‌ی آخر راه خصم و دشمنی پیمود و با بمباران رشت مجبور به عقب‌نشینی و فرار شد. همچنین با جناح چپ کمونیست از انقلابیون داخل جنگل (احسان اله خان دوستدار و خالو قربان و طرفدارانش) به عدم اشتراک مساعی و عدم همکاری مشترک رسید و دوباره به حالت قهر و رفتن به فومنات مجبور گردید. در نهایت حتی مقدمات آشتی مجدد با وساطت حیدرخان عمواغلی نیز بی‌ثمر باقی ماند. همچنین با دولت انقلابی شوروی و رهبریت تروتسکی و سپس لنین موفق به ایجاد ارتباط پایدار و جلب همکاری نشد. در اواخر عمر جنبش کار به‌جایی رسید که میرزا کوچک و سپس نماینده‌اش را در مسافرت به قفقاز، اجازه‌ی دیدار و مذاکره ندادند؛ تا چه رسد به اینکه توافقاتی با او منعقد کنند؛ یا به مفاد توافقات سابق پایبند باشند. از نظر تصمیم‌گیری

در حوزه‌ی دولت‌مداری موقت چالش‌ها و درگیری‌های او قابل توجه است. جنبش انقلابی جنگل درباره‌ی شهروندان شهرها و مسئله زمین و زمین‌داران بزرگ برنامه سودمند و همکاری متناسب و دو جانبه‌ای نداشت؛ لذا گاه موجبات نارضایتی شدید آنها (دهقان/ فئودال) را فراهم آورد. همان‌طور که قدرت و برنامه‌ی مشخص برای کارگران، صنعت، چای، پیله، دریای کاسپین و شیلات در گیلان و آموزش و اقتباس علم و فن و مهارت از خارجی، در برنامه و نقشه‌ی مدیریتی و فرهنگی آن مشاهده نگردید. همه‌ی موارد فوق‌گویی‌های آنارشی بودن سیستم دولت موقت آن بود؛ به‌اضافه اینکه نهضت انقلابی جنگل در وضعیت و شرایطی قرار داشت؛ که اگر این آسیب‌ها از سوی جناح‌های درگیر وجود نداشت؛ یا بسیار کم هم بود؛ باز دولت انقلابی جنگل / دولت جمهوری شورایی موقت گیلان، در صورت احتمالی، برنامه‌ای برای گستره‌ی ایران در منظومه‌ی فکری و در بستر اندیشه سیاسی و ایدئولوژی خود نداشت. اندیشه و برنامه‌ای شامل که قادر باشد فراتر از نظام سلطنتی و فراتر از مشروطیت ۱۲۸۵ و قانون اساسی‌اش و یا فراتر از نظام و ایدئولوژی مارکسیستی و یا فراتر و هم‌ردیف اندیشه‌ی اتحاد اسلام طرح و ارائه نماید.

دولت جنگل یک ایدئولوژی و اندیشه‌ی منسجم و از پیش طراحی شده نداشت. هرچند هدفش در همه‌ی نامه‌ها و اعلامیه‌هایش پی‌افکنندن آرمان‌های اسلامی و شیعی و ایرانی بود. از استقلال‌خواهی و بیگانه‌ستیزی سخن می‌گفت و می‌نوشت؛ و از هرچه مبتنی بر نیازها و تقاضاهای بومی و ملی بود؛ سخن می‌راند و اعلامیه صادر می‌کرد؛ اما همه‌ی آنها همچنان در حد و اندازه‌ی آرزو و آمال باقی ماند. زیرا دولت و جنبش انقلابی جنگل تنها می‌دانست؛ چه نمی‌خواهد؛ طرد و رد کردن سلطه و دیگر ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌های سیاسی را می‌دانست. می‌دانست که اندیشه‌ی سیاسی سلطنت و سلطنت مشروطه و اندیشه سیاسی لنینیسم را نمی‌خواهد و اتحاد اسلام قابلیت اجرایی در ایران ندارد؛ اما در منظومه فکری خود آترناتیو و جانشین مناسب و قوی‌تری وجود نداشت. حساسیت دولت و جنبش انقلابی جنگل نسبت به دیگر اندیشه‌ها و پروژه‌های آنها در حدی بالاتر بود؛ اما چون آترناتیو مناسب نداشت؛ در ارتباط با همه‌ی آنها آسیب‌پذیری بالایی دریافت نمود. ناکارایی و آترناتیوهای نامناسب دولت جنگل به‌ویژه در هنگامه‌ی اجرا و عمل، قرین حساسیت و آسیب‌های سرنوشت‌ساز برای جنبش انقلابی جنگل شد و زود هنگام به انتهای راه رسید. «چرا جنبش انقلابی جنگل آترناتیو مناسب و قوی‌تر نداشت و اساساً چگونه اولین نظام جمهوری ایران توسط جنبش جنگل پس از چند گذار ایدئولوژیک سقوط کرد؟» سؤال اصلی این پژوهش است. فرضیه‌ای که آزمون می‌شود؛

بیان می‌کند؛ جنبش انقلابی جنگل با معمای دولت پوچ در ایران مواجه شده بود. یعنی جنبشی اجتماعی که می‌داند چه نمی‌خواهد؛ اما نمی‌داند؛ چه می‌خواهد و چگونه. معمای دولت پوچ معمایی است که اغلب جنبش‌های اجتماعی ایران با آن دست‌به‌گریبان بوده‌اند. فرضیه‌ی پژوهش در ادامه مورد توضیح و تحلیل قرار می‌گیرد.

الف- پیشینه تحقیق

پیشینه‌ی تحقیق در این موضوع را می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی نمود: قسمت اول مراجعی است؛ مربوط به آثار تحقیقی متعدد در زمینه‌ی مشروطه در گیلان و جنبش انقلابی جنگل. آثار ابراهیم فخرایی (۱۳۵۲ و ۱۳۵۴)، ناصر عظیمی دوبختری (۱۳۸۱)، شاپور رواسانی (۱۳۶۰ و ۱۳۸۴، الف و ب)، افشین پرتو (۱۳۹۱)، همچنین کتب: آفاری (۱۳۷۹) و پاولوویچ (۱۳۷۴) و ملک‌الشعراء بهار (۱۳۸۶) و نیز کتاب میلاد زخم خسرو شاکری (۱۳۸۶)، که هر یک توصیفات و تحلیل‌های مفصلی از اوضاع اجتماعی گیلان ارائه می‌کنند. در این راستا در آثار مرتبط به نهضت جنگل به‌طور عام و شخصیت و عملکرد میرزا کوچک به‌طور خاص، داوری‌های ضد و نقیض ارائه شده است. وجود این آراء متکثر و گاه ضد و نقیض درباره موضع‌گیری‌های سیاسی و تاریخی موجب شده؛ تا استنباط دقیق در مورد اندیشه‌های جنبش و نقش تاریخی و سیاسی آن دشوار گردد و تحلیل مصاف دو قدرت خارجی (انگلیس # روسیه شوروی) در آن را دشوارتر می‌نماید. قسمت دوم مراجعی است که به گفتمان جمهوریت و نظام حکومتی و ورود جمهوریت به‌عنوان بدیل سلطنت توجه دارد. قسمت دوم به پنج دسته از منابع و مراجع قابل تقسیم است: الف) منابع تاریخی؛ ب) خاطرات؛ پ) مطبوعات؛ ث) اسناد؛ ج) مطالعات و پژوهش‌های تاریخی.

جهت رعایت اختصار به مهم‌ترین مراجع اشاره می‌شود: از منابع تاریخی قابل ارجاع می‌توان به مجموعه آثار میرزا ملکم خان به کوشش محمد محیط طباطبایی و منابعی همچون الفبای جدید و مکتوبات کمال الدوله اثر آخوندزاده، کتاب آزادی و سیاست اثر احمدطالوف (۱۳۵۷)، هشت‌بهشت، سه مکتوب آقاخان کرمانی (۱۳۵۷) و رساله یک کلمه مستشارالدوله (۱۳۶۳)، اشاره نمود؛ که به صراحت واژه جمهوریت در آنها ذکر شده و با موضع طرفدارانه و بدیل سلطنت بیان شده‌اند. همچنین در کتاب عبدالله مستوفی (۱۳۴۳)، یعنی تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار در مورد تشکیل

حزب سوسیالیست و جمهوریت مطالب جدید و خوبی قابل دریافت است. اما از خاطرات در دسته‌بندی منابع کتاب‌های زیر قابل توجه بوده است: خاطرات سیاسی فرخ (۱۳۴۴)، خاطرات سردار اسعد بختیاری (۱۳۷۲)، خاطرات کیانوری (۱۳۷۱)، گوشه‌ای از خاطرات نهضت ملی آذربایجان نوشته سلام اله جاوید (۱۳۵۱) و کتاب امان اله جهانبانی (۱۳۴۰) و مهدی قلی‌خان هدایت (مخبر السلطنه) (۱۳۷۵) قرار دارند. در کنار منابع تاریخی و منابع خاطرات، نقش روزنامه‌ها چشم‌گیر است. به طور مثال در دوره جمهوری خواهی رضاشاه پهلوی، روزنامه ستاره ایران و نیز ایرانشهر، مقاله‌هایی درباره جمهوری خواهی دارند. روزنامه‌های محلی همچون روزنامه جمهوری خودمختار آذربایجان و کردستان نیز در این شمار هستند. در راستای موضوع مقاله‌ی حاضر روزنامه‌ی جنگل ارگان رسمی جنبش جنگل از اهمیت ویژه برخوردار است. همچنین اسناد مرتبط به جمهوریت در ایران خود حاوی رازهای سر به مهری است؛ که همچنان پژوهشگران را تشنه نگه‌داشته است. اما در قسمت طرح‌های پژوهشی و مطالعات تحقیقی در کنار مقالات علمی پژوهشی در مجلات معتبر: مثل مقاله‌ی پورمحمدی املشی (۱۳۸۶) و سولماز آوریده و دیگران (۱۳۹۹) و نیز رساله‌های دفاع شده، هنوز مرجع قوی در این باره مشاهده نمی‌شود. مقاله حاضر با استفاده از نظریه‌ی نولیبرالی نهادگرا موضوع معمای دولت جنبش جنگل را پس از اعلام جمهوریت در دو بخش مورد بررسی قرار داده است. در بخش نخست به وضعیت و شرایط جنبش جنگل و گذار آن از قیام مشروطه ۱۲۸۵. ش، تا جمهوریت اول و در بخش دوم به تحلیل وابستگی متقابل پیچیده در بین دو قدرت برتر جهانی و معمای دولت پوچ جنبش پرداخته است.

نوآوری

مقاله حاضر دارای دو نوآوری است؛ اول آنکه نظریه معمای دولت پوچ را از لابه‌لای نظریه نولیبرالی نهادگرا و نظریه نواقع‌گرایی استخراج نموده و مفروضات آن را در مورد جنبش جنگل به کار گرفته است. دوم آنکه در ریشه‌یابی ضعف ایدئولوژیک جنبش جنگل به معمای دولت جمهوری اول ایران نزدیک شده است؛ یعنی دولتی که می‌داند چه نمی‌خواهد؛ اما نمی‌داند چه می‌خواهد و چگونه.

ب- چارچوب نظری

این مقاله بر اساس نظریه نولیبرالی نهادگرا تحلیل شده است. قسمتی از مفروضات این نظریه ریشه در نواقعی گزینی دارد و سپس بر آن مفروضاتی را افزوده یا کاسته است. نواقعی گزینی سیستم بین الملل را به عنوان چارچوب کارکردی امنیت می پذیرد و دارای این اصول است: دولت محوری، قدرت محوری کارگزاران، اهمیت ساختار سیستم به عنوان متغیر مستقل، وضع طبیعی و اصل آنارشی، بقاء به عنوان بالاترین ارزش حیاتی کارگزاران (دولت). اما مهم ترین تهدیدها در آن عبارت اند از: تهدید علیه ارزش های اساسی، ضعیف شدن قدرت، عدم توزیع متناسب قدرت در سطح سیستم (Buzan, 1991)، همچنین اینکه آسیب پذیری واحدها در ضعف قدرت آنهاست. نظریه ی نولیبرالی اصول و مبانی نواقعی گزینی را می پذیرد؛ اما سیستم بین الملل را دارای ویژگی های نوینی تصور می کند که وابستگی متقابل پیچیده از آن جمله است (قاسمی، ۱۳۹۳: ۳۳۸).

جدول شماره ۱: مؤلفه ها و ویژگی های دولت جمهوری جنگل پس از تأسیس: معمای امنیت / پوچی دولت

مفروض های نظریه	چارچوب امنیت	سازوکارهای تأمین امنیت
<ul style="list-style-type: none"> - رویکرد سیستمی به روابط بین الملل - آنارشی بودن سیستم - کشورها، به عنوان واحد اصلی همراه با نقش مهم نهادها - کشور به عنوان واحد عقلایی - تأکید بر فرایندهای سیستمی به ویژه فرایندهای نوین 	<ul style="list-style-type: none"> - سیستم بین الملل به عنوان چارچوب امنیت - وابستگی متقابل پیچیده به عنوان مفهوم تحلیلی - درهم تنیده شدن قدرت و وابستگی متقابل در قالب دو مفهوم تبیینی: حساسیت + آسیب پذیری - وابستگی متقابل پیچیده سیستمی در قالب عناصر: سطوح گوناگون موضوعی عدم سلسله مراتب بین موضوعات + کاهش نقش زور 	<ul style="list-style-type: none"> ناکارایی دیدگاه: توازن قوا ثبات هژمونیک قدرت محوری در تأمین امنیت

(منبع نویسنده: با تخلص از قاسمی، ۱۳۹۳)

از طرفی دیگر رویکردهای گوناگون در مورد هم گرایی منطقه ای وجود دارد؛ نهادگرایی لیبرال برجسته ترین آن هاست. (Kehane and Mattin, 1995)

مفروض اساسی آن بیان می کند؛ نهادهای بین المللی به کمک دولت ها می روند؛ تا آنها به همکاری

وارد گردند و به صلح دست یازند (Wilander et al, 1999). در این نظریه صلح برآیند هم‌گرایی در تجارت نیست؛ بلکه صلح نیازمند نهادسازی است (Brown, Qobo and Ruiz-Dana, 2009). در چشم‌انداز این نظریه سه نوع از ارتباطات فی‌مابین نهادهای بین‌المللی و موضوع همکاری بین دولت‌ها وجود دارد. این انواع ارتباط در هویت دولت‌ها تأثیر مستقیم دارد. آنها عبارت‌اند از: رابطه‌ی مثبت- رابطه‌ی منفی- رابطه‌ی پوچ. نهادگرایان به رابطه‌ی اولی توجه دارند. طرفداران نظریه‌ی اتحادها به رابطه‌ی منفی تأکید می‌کنند و حتی نهادگرایی را گاه عامل جنگ معرفی می‌نمایند؛ اما واقع‌گرایان و نوواقع‌گرایی رابطه‌ی پوچ را طرح نموده‌اند (Mitchell and Hensel, 2007).

نویسنده‌ی مقاله مفهوم دولت پوچ را از حاصل نظریه‌ی نولیبرالی نهادگرا استنباط و طراحی نموده است. چنانکه در همین راستا جوزف نای و کوهن نیز در بحث مشترک خود درباره وابستگی متقابل، به دو مفروض حساسیت و آسیب‌پذیری پرداخته‌اند (فاطمی نژاد، ۱۳۹۴: ۹۷). از منظر این مقاله بین مفهوم پوچی و مفهوم خشتی تفاوت و تمایز وجود دارد. توضیح اینکه اگر سه‌گانه‌ای فیزیکی یا مکانیکی در تحلیل باشد؛ پس آنگاه سه‌گانه‌ای با عنوان‌های منفی/ مثبت/ خشتی در فرایند تحلیل، مؤثر و منطقی است و گویای روشمندی سطح تحلیل خواهد شد. علاوه بر این مؤلفه‌ها و ویژگی خود را دارد؛ اما مفهوم پوچی این‌گونه نیست. در تحلیل این مقاله مفهوم پوچ، صورت و مفهوم دوگانه دارد؛ یعنی مفهوم دوگانه‌ی پوچ/ مغز با همدیگر به شکل متعارض معنادار و همبسته هستند. نقطه تمایز بین پوچ با خشتی به طور عمده در این است که خشتی دارای بار نیست؛ نه منفی است؛ نه مثبت است. از قبل نبود؛ هم اکنون نیست و در آینده هم باردار نخواهد شد. به محض آنکه بار داشته باشد؛ یا منفی می‌شود؛ یا مثبت می‌گردد؛ اما پوچ این‌گونه نیست. دوگانه پوچ/ مغز، اول آنکه حالت و ویژگی تناوبی و جابجایی دارند؛ چه بسا پوچی مغز شود؛ یا مغزی پس از کاربست‌های خود پوچ گردد. دوم آنکه به طور عمده از ابتدا ماهیت پوچ بودن یا ماهیت مغز بودن پس از طی فرایندی و نمودارشدن کارنامه‌ای قابل تشخیص و تحلیل خواهد شد؛ و اساساً قابلیت تبدیل و تبدل از ویژگی‌های مستمر پوچ/ مغز است.

مؤلفه‌ها و ویژگی‌های پوچ و دولت پوچ در جدول شماره ۱ ترسیم شده است. دولت نو تأسیس جنگل به رهبری میرزا کوچک پس از فرایندی از مبارزات در دو سال پایانی از عمر هفت‌ساله‌اش دچار معمای دولت پوچ و همچنین معمای امنیت شده است. مفروض‌های چارت نظری در جدول فوق در ادامه مقاله مورد کاربست واقع شده است.

پ-جمهوریت جنبش جنگل

۱- جنبش جمهوریت خواهی در گیلان: حساسیت و آسیب پذیری

ارتباط و آشنایی جامعه‌ی ایرانی با اندیشه‌ها و تفکرات اروپایی و مشاهده‌ی مستقیم و غیرمستقیم تکنولوژی پیشرفته‌ی اروپا، شماری از ایرانیان را به اجرای تغییرات ژرف، جهت نیل به سازوکارهای نوین در ایران برانگیخت. در ابتدا روش و راه تغییرات در کشور را معطوف به پادشاه و حاکم نمودند و قرار بود؛ تا تغییرات از بالا استارت زده شود؛ اما نشد. زیرا پادشاه و حاکم نه به مبانی اندیشه‌ی پیشرفت به شیوه‌ی مدرن اعتقاد و باور داشت و نه به برنامه‌های مدرن و تکنولوژی باور و اعتماد می‌نمود. این بود که نخبگان تحول‌خواه مصمم شدند؛ بدون اتکای به نظام حاکمیت و شخص شاه، برنامه‌های خود برای پیشرفت و توسعه‌ی ایران را حول محور قانون اساسی و حاکمیت قانون توزیع و تنظیم نمایند. عده‌ای از نخبگان تحول‌خواه روش دینی در پیش گرفتند (میرزا ملکم خان- مستشارالدوله) و در قالب دین اسلام مفاهیم مدرن را ترکیب و توزیع نمودند.

عده‌ای دیگر روش غیردینی داشتند (طالبوف- آخوندزاده) و قائل به عدم امکان موفقیت‌آمیز ترکیب مفاهیم مدرن با دین (اسلام) بودند. گروه اول به طور عمده فارغ‌التحصیلان اروپا بودند؛ آنها با اندیشه‌ی دموکراسی به دنبال جمهوریت - به‌عنوان اصل و رکن- بودند و تحت تأثیر انقلاب فرانسه بر قانون اساسی و اصول آن در چارچوب نظام جمهوریت تأکید و باور داشتند. گروه دوم سوسیال‌دموکرات‌هایی بودند که تحت تأثیر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه‌ی شوروی مطالبه جمهوریت در ایران داشتند. تاریخ سیاسی معاصر ایران شاهد اولین جنبش جمهوری‌خواهی، از سوی گروه دوم بود که حمایت و پشتیبانی شوروی و سوسیال‌دموکرات‌های قفقاز را با خود همراه داشت و با آنها همراهی (لااقل مقطعی) می‌نمود و از آسیب‌های خارجی (انگلیس) تا حد ممکن باز می‌داشت. اندیشه جمهوریت از طریق شوروی و استامبول توسط سوسیال‌دموکرات‌های ایرانی که در باکو آمد و شد داشتند؛ وارد ایران شد. البته نقش ارامنه (اعضای حزب داشناکسیون- کمیته ستار) این تحول‌خواهی و گرایش به جمهوریت را تسهیل و تمهید می‌کرد و از همان ابتدا تا پایان مجلس سوم موجب حساسیت، چالش و آسیب‌پذیری در جامعه‌ی ایرانی بوده است. البته اثرات ویژه خود را بر تارک انسان و جامعه‌ی ایرانی نیز بر جای گذاشته است.

از هر زاویه که به کنش‌های سوسیال‌دموکرات‌ها در ایران نگریسته شود؛ وجه یقین است که آنان

تحت تأثیر اندیشه انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و به دنبال حکومت و نظام جمهوریت بودند و در هر فرصتی آن را به صحنه سیاست و اجتماع ایران می‌کشاندند. به‌طور مشخص درست از زمان مظفردالدین‌شاه فعالیت و تأثیرات گروه‌های جمهوری‌خواه در ایران قابل مشاهده است. آنان حتی از جمهوری‌خواهی رضاشاه پهلوی - در همان اندک زمانی که آن را مطرح ساخت و بعد منصرف شد - حمایت کردند. سرچشمه‌ی اندیشه‌های سوسیال دموکراسی از قفقاز و روسیه بود. این مناطق به دلیل همسایگی با ایران موجب ارتباط مستقیم و دو جانبه می‌شد. منطقه قفقاز (طبق عهدنامه ترکمانچای) تحت کنترل روسیه درآمده بود؛ اما ایرانی‌های مهاجر در آن مناطق آمد و شد می‌کردند. به ویژه مردم گیلان در زمان بیکاری و دیدن آسیب زراعی به واسطه آفات در محصولات کشاورزی (پبله‌ی ابریشم) جهت اشتغال به قفقاز می‌رفتند؛ همچنین ارامنه‌ی ساکن انزلی با ارامنه‌ی فعال در منطقه‌ی قفقاز مرتبط بودند. از این رو ایدئولوژی و تحولات سیاسی آن مناطق بر گیلانیان مهاجر اثر مستقیم می‌گذاشت. علاوه بر این قفقاز مسیر ارتباط ایران - اروپا بود. گفته می‌شد؛ حدود بیست و دو درصد مجموع کارگران باکو را (قبل از وقوع انقلاب اکتبر) ایرانیان تشکیل می‌دادند (ایوانف، ۱۳۵۷: ۲۵).

به هنگامی که سوسیال دموکرات‌های قفقاز علیه تزار روسیه فعال بودند؛ همزمان ایرانیان مهاجر تحت تأثیر اندیشه و تبلیغات آن‌ها قرار گرفته و اندک‌اندک نخستین تشکل سیاسی چپ ایران شکل گرفت. پس از آن بود که سازمان همت اولین شعبه‌ی سوسیال دموکرات روسیه توسط ایرانیان قفقاز در ایران به وجود آمد (آدمیت، ۱۳۵۵: ۱۳). پس از چندی سازمان مذکور مبدل به حزب شد و حزب سوسیال دموکرات یا همان اجتماع‌یون عامیون باکو در سال ۱۲۸۴ ش / ۱۹۰۵ م به رهبری نریمانوف تشکیل گردید. این حزب مستقیم تحت رهبری لنین و حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه قرار داشت. حزب سوسیال دموکرات به تدریج شعبه‌های خود در شهرهای تهران، مشهد، رشت، تبریز، اصفهان و انزلی را ایجاد کرد (آدمیت، ۱۳۵۵: ۱۳ و ۱۷). در آستانه انقلاب مشروطه ایران ۱۲۸۵ ش، دو جریان سوسیال دموکرات‌ها از باکو و استانبول در کنار تحول خواهان و فرهیختگان ایران قرار داشته و از آنها حمایت نموده و نسبت به اقدامات آنها و سرنوشتشان حساس بودند. سرنوشت سیاسی اجتماعی سوسیال دموکرات‌های ایران و کارکرد هر شعبه در شهرهای ایران بیانگر حساسیت‌ها و آسیب‌های متنوع و متکثری است که خود جایی خالی در گستره پژوهش‌های سیاسی ایران دارد؛ اما آنچه مربوط به حوزه‌ی رشت و گیلان می‌شود؛ در این مقاله مورد اهتمام و توجه است.

شعبه اجتماعيون عاميون در رشت با حضور افرادی چون محمد یزدی، سردار محیی، میرزا کریم خان رشتی، میرزا کوچک خان جنگلی، ناصر الاسلام ندامانی مشغول به فعالیت شد (آدمیت، ۱۳۵۵: ۲۰-۲۱). قرین شکست محمدعلی شاه در جریان قیام مشروطه، تهران توسط انقلابیون از جناح اجتماعيون عاميون فتح شد؛ آنها در مبارزه نقش اول را داشتند. از این رو مدتی کوتاه یکه تاز قدرت شدند و در صدد برآمدند؛ تا در مورد مسائل کشور تصمیم گیری نمایند؛ اما در مجلس با گروه مخالفی از اعتدالیون مواجه شدند. اجتماعيون عاميون یا دموکرات ها دامنه تغییرات را با سرعت و در تمام سطوح می خواستند؛ آنها با فئودال ها و مرتجعین و با روحانیان سخت مخالف بودند؛ اما اعتدالیون از اقدامات تند دوری می کردند (ملک زاده، ۱۳۶۳: ۲۵۶) و در مقابل آن می ایستادند. اختلاف بین آنها به جامعه هم سرایت می کرد؛ اعضای فرقه دموکرات جدید در مجلس جانشین اجتماعيون عاميون شدند و با عوض کردن اسم و عنوان، کنترل و رصد کردن خود را مشکل می نمودند. اعضای فرقه دموکرات جدید عبارت بودند از: سید حسن تقی زاده، محمدعلی تربیت، سلیمان میرزا اسکندری، محمدرضا مساوات، حسینقلی خان نواب. رهبر حزب در ابتدا با تقی زاده بود؛ سپس به دلیل مسافرتش سلیمان میرزا اسکندری رهبری را بر عهده گرفت. سازمان دهی حزب در بیرون از مجلس نیز بر عهده ی حیدرخان عمواوغلی و محمدامین رسول زاده بود (آدمیت، ۱۳۵۵: ۹۵ و ۱۳۶). در سال ۱۳۳۷. ق، حزب دموکرات با همان اعضای سوسیال دموکرات تأسیس شد. آنها به خاطر اجتناب از واکنش منفی جامعه ایرانی، نام سوسیالیست را از عنوان خود حذف کردند. پایگاه اجتماعی هدف آنها، جوانان بودند؛ برخلاف اعتدالیون که پایگاه اجتماعی هدف آنها، اصناف و کسبه حامی بود.

میرزا کوچک خان جنگلی فعالیت سیاسی - اجتماعی خود را همزمان با قیام مشروطه آغاز کرد. او در جریان دفاع از مشروطیت در مواجهه با محمدعلی شاه که برای بازپس گیری تخت و تاج اقدام نموده بود؛ به همراه دیگر مشروطه خواهان مقاومت کرد؛ جنگید و زخمی شد و برای درمان به تفلیس رفت. او در آن شهر بسیار آموخت (پرتو، ۱۳۹۱: ۹۶). میرزا کوچک جنگلی با اندیشه ی تغییر و خواهان دگرگونی های کوچک رفت؛ اما با اندیشه ی دگرگونی و ایجاد تغییرات همه جانبه و ساختاری بازگشت. میرزا کوچک مدتی در تفلیس ماند و به هنگامی که قیام مشروطه دوباره پا گرفت؛ به رشت برگشت و در همه ی رخداد های جنبش مشروطه خواهی گیلان تلاش بی دریغ نمود. چنانچه در کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت ایران آمده است: پس از فتح رشت توسط انقلابیون، میرزا کوچک خان اول کسی بود که به یاری مجروحین و ستم دیدگان و کسانی که خسارت و زحمت دیده بودند؛ شتافت و

در کمک به آنان آنچه در قوه داشت دریغ نداشت (ملک‌زاده، ۱۳۶۳، ج ۵: ۱۵۰). با فتح تهران و سقوط محمدعلی شاه و بازگشت مشروطیت و همچنین با آغاز به کار مجلس دوم شورای ملی، میرزا کوچک در تهران ماند و همواره یار پیرم خان ارمنی بود و در کارهای نظمیته تهران به او کمک می‌کرد.

میرزا کوچک خان در اعلامیه‌ای از انحراف مشروطیت سخن به میان آورده و بدین‌سان، پیوند میان هدف‌های مشروطیت و جنبش جنگل را نشان داده است: «بدبختانه برای عدم تفکر و تعمق پیش‌قدمان آزادی، به هر طریق بود امرا و خوانین ستمگر زمام ریاست مشروطیت را در دست گرفته، انقلاب را به منفعت خود سوق دادند. بالجمله این انقلاب و این نهضت و این فداکاری برای ملت بیچاره به جای منفعت، مضرت تولید نمود؛ سابق به اسم سلطنت مستبده، این دفعه به نام سلطنت مشروطه همان سلطه و اقتدار و جور و ظلم را اعاده دادند» (شایسته، ۱۳۸۹: ۱۵۲). از نامه‌های میرزا کوچک می‌توان مشاهده نمود؛ هم از سلطنت استبدادی مرکز ناراضی و به دنبال بدیل است؛ هم در جریان مشروطه، گذار ایدئولوژیک از مشروطه سلطنتی را داشته است. باوجود آنکه اهداف آرمان‌های مشروطیت را صمیمانه می‌خواست؛ اما در مرحله اجرا و در تعارض بین مناطق متعارض منطقه‌ای شاهد عدم موفقیت و سپس کنترل و سرکوب آنها بود. میرزا کوچک به این باور می‌رسد که انقلاب مشروطه از اهداف خود دور شده است و سلطه، جور و ظلم با نام دیگر بازگشته است؛ از این رو او از اندیشه سیاسی مشروطه‌خواهی گذار می‌کند.

به نظر می‌آید؛ اندیشه سیاسی اتحاد اسلام، گذار دوم او به‌عنوان بدیل سلطنت استبدادی بود. کمیته اتحاد اسلام در این مقطع تاریخی توانست؛ از جنبش و نیروی پراکنده و بالقوه اجتماعی در گیلان برای ضربه زدن به منافع و نفوذ اندیشه تاریخی آنگلوفیل‌ها و سیاست انگلیس در ایران از گیلان سود ببرد. همچنین از نیروی اجتماعی گیلان با مرکزیت فعالان سیاسی با تمرکز تشکل جنگل و شخص میرزا کوچک موفق به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی برسد. اما حوادث پایانی جنگ جهانی اول نشان داد؛ باید در انتهای این رشته فعالیت‌ها، بازی را به‌طرف مقابل (آنگلوفیل‌ها) واگذار نماید و مایوسانه به تاریخ ببیند.

میرزا کوچک در تهران با این دسته (کمیته اتحاد اسلام) از سیاسیون در تماس بود (فخرایی، ۱۳۵۲: ۴۲). سرانجام پس از رایزنی‌هایی قرار شد؛ برای ایجاد هسته‌های مقاومت در برابر دخالت دولت‌های بیگانه و پاسداری از استقلال ایران، کانون‌های مقاومت نظامی در شهرستان‌های ایران

پایه گذاری شود. (اردیبهشت تا خرداد ۱۲۹۴) بدین سان مرحله دیگر نهضت جنگل با انگیزه های اتحاد اسلام آغاز شد؛ ولی دوام نداشت. گزارش های تاریخی در این باره قابل توجه است؛ از آن جمله: سرانجام میرزا توانست با یاری هفت تن که دکتر حشمت نیز در میان آنان بود (طالقانی، ۱۳۲۴: ۲۴)؛ نخستین پایگاه جنگ های چریکی دهقانی را در جنگل تولم در سه فرسخی شمال باختری رشت برپا کند (مدنی، ۱۳۷۷: ۳۴). بر اثر استقبال دهقانان و زحمتکشان شهری و بخشی از روشنفکران، رفته رفته بر شمار اعضای نهضت و مبارزان مسلح افزوده شد (کشاوری، ۱۳۷۱: ۱۴). به نظر می آید؛ میرزا کوچک جنگلی در مراحل اولیه فعالیت های سیاسی و اجتماعی خود، پس از گذار از اندیشه ی مشروطیت سلطنتی، همراه و هم نظر با اندیشه های سیاسی هیئت و کمیته ی اتحاد اسلام و نظریه ی سیاسی سید جمال الدین اسدآبادی است؛ اما در این اندیشه و منش نماند. او در مراحل بعد، راه و اندیشه سیاسی مستقل دیگری را می پیماید؛ به تعبیری می توان گفت؛ از حوزه اندیشه سیاسی اتحاد اسلام گذار می کند.

اتحاد اسلام پس از سامان یابی بر آن شد؛ با برپایی خیزش هایی در شمال ایران، دست روس ها را از تسلط بر شمال ایران کوتاه کند. میرزا کوچک خان و دکتر ابراهیم حشمت و سید محمدخان و شیخ عبدالسلام در خرداد سال ۱۲۹۳ خورشیدی، شبانه راهی رشت شدند و پنهانی به رشت آمده و به خانه ی میرزا احمد مدنی رفتند. میرزا کوچک خان با خود یک موز و یک پنچ تیر روسی و دو بست فشنگ داشت (پرتو، ۱۳۹۱: ۱۰۶). میرزا کوچک خان در رشت ماند و پنهانی نشست هایی برپا کرد که سرانجامش پیوستن شماری از آزاداندیشان به او بود. پس از چندی چارچوب هیئت اتحاد اسلام گشوده تر شد و از همه ی اقشار عضوگیری نمود. با پذیرش نام کمیته ی اتحاد اسلام برای آن، راه برای پیوستن آنانی که روحانی نبودند نیز باز شد (پرتو، ۱۳۹۱: ۱۰۷)؛ این گونه بود که جنبش گیلان آغاز شد. آوا پیچید که بر آنیم در برابر آزار روس ها برپا خیزیم؛ این آوا بسیاری را با خود آورد.

ابراهیم فخرایی در این باره می نویسد: داوطلبان عضویت در جنگل علاوه بر نداشتن سوء شهرت باید سوگند وفاداری یاد کنند و خدا و وجدان را به شهادت بطلبند (صبوری دیلمی، ۱۳۵۸: ۲۴). رهبران جنبش جنگل در روزنامه ی رسمی خود یعنی جنگل که میرزا حسین خان کسمایی در رشت آن را چاپ و پخش می کرد؛ هدف ها و آرمان های خود را این چنین به آگاهی مردم رساندند: «مقابل از هر چیز طرفدار استقلال مملکت ایرانیم، استقلالی به تمام معنی کلمه، ... با دوست ایران دوستیم و با

دشمن این آب‌و خاک با تمام خصومت دشمن» (روزنامه جنگل، ۱۲۹۶، ش ۲: ۱). با رسیدن خبر پیاده شدن نیروهای ارتش سرخ در بندر انزلی به میرزا کوچک خان، وی به تندی یاران همفکر خود را برای نشستی در روستای زیده فراخواند؛ تا در مورد نحوه برخورد با این مشکل شور کنند و تصمیم بگیرند. در آن نشست محمدی انشایی و محمدعلی پیر بازاری و حاج شیخ حسن آمن و سلطان عبدالحسین ثقفی و حسن آلیانی و میرزا کوچک خان شرکت کردند (پرتو، ۱۳۹۱: ۲۶۷).

در اول خرداد ۱۲۹۹ ش. نشستی بر عرشه‌ی کشتی کورسک با بودن میرزا کوچک خان و حسن آلیانی و سعد الله درویش و میر صالح مظفر زاده و اسماعیل جنگلی و گائوک و راسکولنیکف بر پاشد. در آن نشست تلاش در راه برپایی دگرگونی و انقلاب در ایران و برافراشتن پرچم انقلاب سرخ بود. همه خموشانه پذیرا بودند؛ مگر میرزا کوچک خان که بر آن باور بود که میهن‌گرایی و دین‌باوری ایرانی‌ها ما را از تن دادن به انقلابی کمونیستی بازمی‌دارد. ایستادگی میرزا کوچک خان در برابر پذیرش خواسته‌های راسکولنیکف در نشست ۲ خرداد ۱۲۹۹ موجب شد؛ تا ارژنیکدزه کمیسر عالی قفقاز از باکو به انزلی بیاید و بر عرشه‌ی کشتی کورسک شرکت و مذاکره نماید. ارژنیکدزه با شناختی که از پیش و در دوران مشروطه در تهران از میرزا کوچک جنگلی داشت در آن نشست سخن آخر را بیان نمود و به اعضای شرکت‌کننده گفت: «رفقا، آنچه این مرد درست قول و باایمان می‌گوید؛ من بی‌چون و چرا تصدیق می‌کنم و موافقت خود را با تمام اظهارات تاکتیکش اعلام می‌دارم. زیرا او در تحرک و جنبش‌کشورش مجرب است و پیشرفت انقلاب را مدنظر دارد و از شما می‌خواهم که بیانات و نقشه‌ی آینده‌اش را تأیید کنید» (فخرایی، ۱۳۵۲: ۲۳۴). با گفته‌ی او مذاکره به سرانجام رسید و پذیرای توافقی این‌گونه شد:

۱. عدم اجرای اصول کمونیسم از حیث مصادره‌ی اموال و الغاء مالکیت و ممنوع بودن تبلیغات
۲. تأسیس حکومت جمهوری انقلابی موقت
۳. تأسیس مجلس مبعوثان پس از ورود به تهران و برپا کردن هر نوع حکومت که نمایندگان ملت بخواهند.
۴. سپردن مقدرات انقلاب به دست این حکومت و عدم مداخله‌ی شوروی‌ها در ایران
۵. هیچ قشونی نباید بدون اجازه و تصویب حکومت انقلابی ایران علاوه بر قوای ۲۰۰۰ نفره موجود از شوروی وارد ایران شود.
۶. مخارج این قشون به عهده‌ی جمهوری ایران است.

۷. شوروی باید هر مقدار مهمات و اسلحه که جمهوری ایران بخواهد؛ در مقابل دریافت قیمت تسلیم نماید.

۸. کالای بازرگانی ایران که در باکو ضبط گشته است؛ باید تحویل حکومت جمهوری ایران شود.

۹. همه‌ی مؤسسات تجارتی روسیه در ایران باید به حکومت جمهوری واگذار گردد (فخرایی، ۱۳۵۲: ۲۴۴).

لازم است توجه شود که در این موافقت‌نامه و در بند دوم آن از تأسیس نوع حکومتی جدید یعنی جمهوری انقلابی سخن به میان آمد. نوعی از حکومت که در تاریخ بلند ایران بی‌سابقه بود. البته جنبه موقت را ذکر نموده و سپس توضیح می‌دهد؛ نمایندگان ملت ایران در مجلس مبعوثان نوع حکومت ایران را تعیین خواهند نمود. در جای‌جای موافقت‌نامه حاضر و سایر توافق‌نامه‌هایی که با میرزا کوچک و یارانش به امضا می‌رسد؛ همواره بر استقلال فرهنگی و مذهبی و حتی نظامی سازمان جنگل و حکومت موقت آشکار و صریح تکیه شده است (رواسانی، (ب)، ۱۳۸۴: ۸۴).

نکته قابل توجه گذار ایدئولوژیکی جنبش در این مقطع زمانی است. با دقت در متن مرامنامه‌ای که در کنگره‌ی کسما تشکیل می‌شود؛ این واقعیت مشهود است. با توجه به آن می‌توان تغییرات اساسی برنامه‌های سیاسی و اقتصادی جنبش جنگل را دریافت؛ شاید بتوان از آن به دوره‌ی گذار تاریخی نام برد. در هر صورت، سیر تحول ایدئولوژیک کوچک خان و مواجهه او با معمای دولت در ارتباط با تحولات بین‌المللی از ۲۹ اردیبهشت ۱۲۹۹. ش با ورود ناوگان شوروی به انزلی بیشتر و بهتر قابل فهم است. به گونه‌ای که این تحولات بین‌المللی با گسترش جماهیر شوروی در آسیا همراه بود و با سرعت بر تحول بینش سیاسی کوچک خان به جمهوری‌خواهی تأثیر نهاد. اسناد حاکی از آن است که میرزا کوچک، خواهان حمایت تسلیحاتی چپ‌ها بدون دخالت ایدئولوژیک ایشان در امور ایران بوده است (جنگلی، ۱۳۵۷: ۱۳۶-۱۳۵).

جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک، هنگام ارائه برنامه و اجرای قدرتمندانه‌ی آن ضعیف بود و به روشنی نمی‌دانست؛ چگونه باید آنچه می‌خواهد را محقق سازد. همچنین با فقدان مناسب توزیع قدرت مواجه بود؛ کارگزاران رهبری جنبش بدون هماهنگی مناسب، به شکل آناارشی عمل می‌نمودند. چنانکه گاه رهبر جنبش از آن وقایع متعجب و دل‌تنگ می‌شد (قتل حیدر خان عموآغلی در ملأ سرا). کارگزاران جنبش به‌عنوان واحد در سیستم با آسیب‌پذیری ایدئولوژیک و جذب شدن در ایدئولوژی رقیب موجبات ضعف قدرت جنبش و شخص میرزا کوچک را فراهم می‌آوردند (احسان الله خان

دوستدار و اقدامات کمونیستی او - خالو قربان و در صف ارتش سلطنت تغییر موضع دادن). میرزا کوچک جنگلی می‌دانست؛ چه نمی‌خواهد؛ اما این تمام ماجرا نبود. مهم‌تر از طرد و نفی‌ها در جنبش‌های اجتماعی این است که مطالبات و خواسته‌ها متناسب با شرایط واقعی زمان و مکان چیست و چگونه می‌توان آن را تحقق بخشید. چنانچه جنبش اجتماعی نتواند؛ به این مسائل اساسی سیستم به شکل اجرایی جنبه تحقق و عینی ببخشد و تصمیم‌گیری مناسب ننماید؛ با معما مواجه خواهد شد (فیدبک سیستم). همچنین هر قدر زمان در این حالت بگذرد و به ناکارایی در مقابل رقیب برسد؛ با معمای دولت پوچ مواجه خواهد گردید. معمایی که هم رهبر و نخبگان سیاسی را مورد آسیب قرار خواهد داد و هم جامعه و پیروان همراه را دل‌تنگ و آزرده‌خاطر و آسیب‌زده خواهد ساخت.

۲- نماد وابستگی متقابل پیچیده: توافق منطقه‌ای شوروی / انگلیس در مورد ایران و جنبش جنگل

پنج روز پس از کودتای سوم اسفند ۲۱/۱۲۹۹ فوریه ۱۹۲۱، مشاورالممالک انصاری مذاکراتی را که در عرض شش ماه گذشته با جدیتی خستگی‌ناپذیر در مسکو دنبال کرده بود؛ به پایان موفقیت آمیز رساند و قرارداد مشهور ۱۹۲۱ را که پایه روابط نوین ایران و شوروی قرار گرفت؛ در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ با چیچرین وزیر خارجه شوروی امضا کرد. با امضا شدن قرارداد ۱۹۲۱، روابط ایران و شوروی وارد مرحله جدیدی شد و چندی بعد فئودور روتشتاین نخست‌وزیر مختار رژیم جدید شوروی در ایران به تهران رسید. وی بر این واقعیت تأکید نمود که با توجه به رویکرد سیستمی در عرصه روابط بین‌المللی، کشورها هستند که به‌عنوان واحد اصلی و اول و به شکل عقلانی و محاسباتی نقش مهم دارند. همچنین با توجه به فرایند نوین نوعی دیگر از وابستگی متقابل بین شوروی و انگلیس به شکل پیچیده در مورد یک کشور منطقه‌ای شکل گرفته است. نیز این واقعیت را بیان نمود که دیگر حزب سوسیال‌دمکرات کارگری و شخص لنین و کارگزاران آنها در قفقاز قادر به حمایت از جنبش‌های منطقه‌ای نیستند.

پیش از آن در تاریخ نهم مرداد ۱۲۹۹ / برابر با ۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰، کودتای سرخ بر ضد میرزا کوچک و جنبش جنگل انجام گرفت. این کودتا با دخالت نماینده چکای شوروی در گیلان، رئیس اداره سیاسی و فرماندهان نیروی نظامی شوروی، به انجام رسید. کودتاجیان میرزا کوچک را از سمت خود در جمهوری موقت انقلابی برکنار کردند و هیئت دولت انقلابی دست‌نشانده‌ای برگزید. علت اصلی

کودتا، سیاست سازشی بود که دولت شوروی در برابر انگلستان برای بستن قرارداد بازرگانی در پیش گرفته بود.

روسیه و انگلستان قبل از وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، در برابر جنبش جنگل دارای مواضع مشترک بودند. اما با پیروزی انقلاب بلشویکی، عناصر انقلابی شوروی نخست با جنبش جنگل مواضع سیاسی مشترک اتخاذ نمودند؛ اما در نهایت بر این مواضع پایدار نماندند و با تغییر مواضع سیاست خارجی خود، مجدداً مواضع مشترک سیاسی با انگلستان را در پیش گرفتند. تمرکز این مواضع مشترک بین شوروی/ انگلستان بر حفاظت از منابع مشترک در هندوستان، حفظ منافع استراتژیکی واقع در جنوب ایران و نیز عدم بازگشت روس‌های سلطنت طلب به قدرت در شوروی بود. مواضع انگلستان از ابتدای تا انتهای جنبش جنگل موضع مخالف بود؛ در ابتدا سعی در مهار آن داشتند. ولی چون این سیاست را به دلیل ماهیت استقلال طلبانه جنبش جنگل ناموفق یافتند؛ به سیاست سرکوب و فروپاشی آن روی آوردند و با ائتلاف دولت شوروی و دولت مرکزی تهران به هدف خود رسیدند.

خوانش اندیشه سیاسی میرزا کوچک در این مقطع زمانی جالب و قابل توجه است. با وقوع این کودتا، رشت به دست چپ‌های کمونیست افتاد و احسان اله خان رئیس و کمیسر شد. میرزا کوچک از رشت رفت و اعلامیه‌ی مفصلی از سوی وی و سران جنبش جنگل منتشر شد. به نظر می‌آید؛ با توجه به این متن بتوان ارزش‌های مورد تهدید و کانون‌های اقتدار، مرجعیت و وفاداری وی را در این مرحله‌ی پایانی دریافت. این اعلامیه در تاریخ سوم آوریل ۱۹۲۰ برابر با ۱۳ مرداد ۱۲۹۹ منتشر شده و این چنین بیان می‌دارد. «گفته‌ام و می‌گویم باید استقلال ایران محفوظ باشد. باید رشته‌ی انقلاب و زمام حکومت ایران در دست ایرانی باشد. با انگلیسی‌ها چرا طرفیم؟ برای اینکه در ایران آمدند، در ایران ماندند و دخالت در امور ایران کردند... با دولت طرفیم برای اینکه ظلم می‌کند و به جان و مال مردم تعدی و تجاوز می‌کند... زنده‌باد جمهوری ایران، مرده باد انگلیس و خائنین، پست باد منافقین» (گیلک، ۱۳۷۱: ۳۳۰).

رفیقان انقلابی جنبش جنگل تاب و تحمل زیاد نداشتند؛ وقتی مشاهده کردند؛ ناکارایی نظری و اجرایی رهبریت جنبش جنگل در داخل دولت انقلابی گیلان، راهکار قوی‌تر از ایدئولوژی‌های رقیب ندارد و در واقع با معمای دولت مواجه شده است؛ تسلیم آرمان‌ها و ایدئولوژی‌های رقیب می‌شدند. چنانکه به شکل نامتعادل از نظر روان‌شناسی سیاسی یا به مرکز و ارتش قزاق تسلیم می‌شدند و

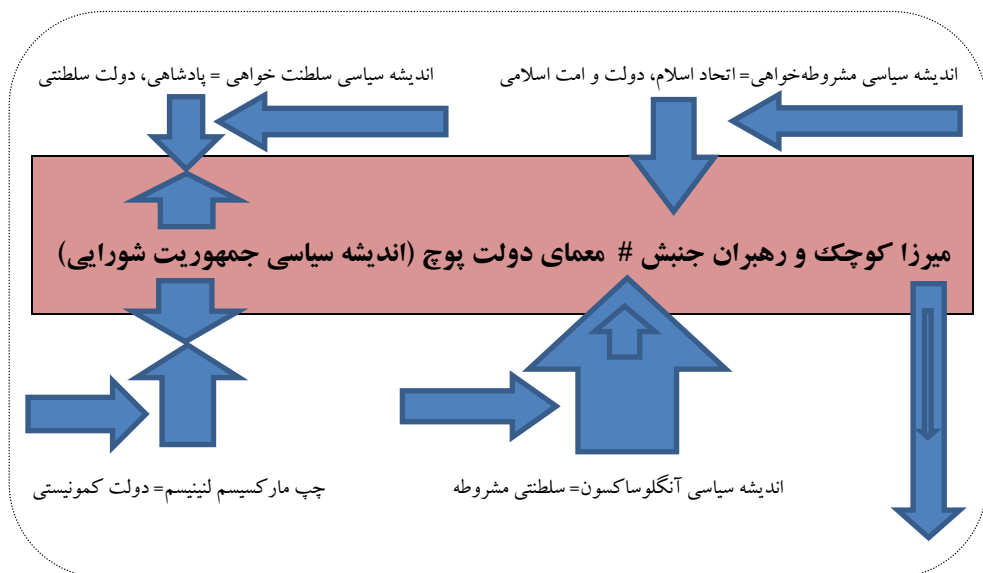
همکاری می‌کردند (خالو قربان و سپاهش). یا به طرف اندیشه مارکسیسم لنینستی پناه می‌آوردند و در ایجاد کودتا محملی می‌جستند؛ تا مقبول رهبران چپ کمونیست باشند (احسان اله خان دوستدار و طرفدارانش). غافل از توافق کشورها و نهادهای بین‌المللی (توافق انگلیس + شوروی) و هژمون نوین بین‌المللی تحت وابستگی متقابل پیچیده بین دو قدرت برتر جهانی.

نتیجه‌گیری

هرچند زمزمه‌ی جمهوری خواهی در ایران توسط غرب رفتگان و با تأثر از انقلاب ۱۹۷۸ فرانسه شنیده شد؛ اما این سوسیال‌دمکرات‌ها بودند که به تأسی از انقلاب ۱۹۱۷ شوروی به تحکیم مدل جمهوریت به‌عنوان ساختاری بدیل سلطنت مطلقه و پادشاهی همت گماشتند. جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک جنگلی اولین تجربه در تأسیس نظام جمهوری در ایران بود که به شکل موقت و البته منطقه‌ای، در گیلان با هدف حفظ استقلال ایران و عدم دخالت بیگانه و محو فساد و تحول ساختاری در هیئت حاکمه شکل گرفت؛ اما پس از تأسیس با معمای دولت پوچ و معمای امنیت مواجه شد. به گونه‌ای که هرکدام از واحدهای اصلی (کشورهای درگیر: روسیه تزاری/ شوروی/ انگلیس / دولت حاکم در پایتخت) می‌دانستند؛ چه می‌خواهند و چگونه باید عمل کنند. حتی هرکدام از نهادهای درگیر (احزاب سوسیال‌دمکرات و بعد حزب تازه تأسیس کمونیست) و کارگزارانشان (عوامل وابسته به کمونیسم و ارامنه‌ی سوسیال‌دمکرات قفقاز و ایران) نقش و اهداف مشخص و شفاف داشتند. یعنی هدف استراتژیک روشن داشتند؛ می‌دانستند؛ چگونه عمل کنند؛ برای کدام مقصد واقعی کار کنند؛ اما رهبران جنبش جنگل و کارگزاران آن این‌گونه نبودند. همچنین کارگزاران جنبش جنگل از توزیع متناسب قدرت در سطح دولت نوپای جمهوری ناتوان بودند. نیروها و کارگزاران جنبش آموزش ندیده و آمادگی اجرایی لازم نداشتند. همچنین جنبش جنگل قدرت فراگیر ملی در سطح ایران نداشت. گسترده شدن احتمالی آن در سطح تمام ایران هم از لحاظ تئوریک و ایدئولوژیک و هم از لحاظ اجرایی و کارکردی ضعف دوچندان جنبش را آشکارتر می‌ساخت و آسیب‌پذیری آن را وسیع‌تر می‌نمود و چه بسا به کل امنیت کشور آسیب می‌زد.

و این همه ناشی از معمای دولت پوچ بود که رهبران جنبش جنگل به‌ویژه شخص میرزا گریبان‌گیرش بود. شاید این معمای دولت پوچ در ایران به دلیل عدم آمادگی تاریخی جنبش بود. زیرا هیچ

گذشته و اندوخته نظری و کارکردی نداشت و ذخیره‌ی کاربردی آن اندک و سطحی و شعارگونه بود و ایدئولوژی جنبش جنگل نسبت به ایدئولوژی مطرح و پرنفوذ، قدرت هم‌آوردی نداشت و ضعیف‌تر بود. شاید هم اندیشه سیاسی جمهوری مشورتی و حتی اصطلاح جمهوری شوری در عرصه‌ی رقابت/ توافق دو ابرقدرت جهانی آن عصر مقوله‌ای در حد و اندازه‌ی سالبه به انتفاع موضوع بود و نقشی موثر و تعیین‌کننده در زمان توافق دو قدرت جهانی آن عصر نمی‌توانست داشته باشد. شاید زمان و گذشت سنوات می‌توانست؛ این معما را کم‌کم حل نماید و جنبش جنگل به رهبری میرزا را از تنگنا نجات دهد. ولی جنبش وقت آن‌چنانی برای آزمون/ خطا نداشت و تأخیری را اجازه نمی‌داد و دل‌تنگی و تعجیل خواسته‌های رفقای انقلابی دیروز مزید بر علت بود. شاید تعبیه نهاد جدید توسط بازیگران پر قدرت خارجی توافق دیگر و راه و مسیر دیگری را در چارچوب تقسیم‌کار بین‌المللی جهت خروج ایران از کشور پیرامونی به نیمه پیرامونی با دست‌آویزی به نام حکومت و دولت پهلوی (رابطه و دولت مثبت) به جای قاجار (رابطه و دولت منفی) مهیا و آماده می‌ساختند. اما قدر مسلم مواجهه طاقت‌فرسای رهبران جنبش جنگل به‌ویژه میرزا کوچک با معمای دولت پوچ، مسئله‌ی جدی و اساسی مقاله‌ی حاضر بود و تلاش شد تا این ایده نشان داده شود.



شکل ۱: شکل تضارب و تعامل اندیشه‌ها و قدرت‌ها با اندیشه سیاسی جنبش جنگل

(منبع: نویسنده)

منابع

- آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۳۷۵)، *الفبای جدید و مکتوبات*، تبریز: حمید محمد زاده، احیاء.
- آخوندزاده، میرزا فتحعلی (بی‌تا)، *مکتوبات کمال الدوله*، به کوشش م. صبحدم، تهران: مرد امروز.
- آدمیت، فریدون، (۱۳۵۵)، *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران: پیام.
- آفاری، ژانت (۱۳۷۹)، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- وریده، سولماز و دیگران (۱۳۹۹)، "روایت‌ها از جنبش جنگل، مطالعه بین‌بازماندگان مشارکت‌کنندگان در جنبش جنگل"، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۲۱، شماره ۱، بهار، ص ۴-۳۱.
- ایوانف، م.ش (۱۳۵۷)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه کاظم انصاری، تهران: امیرکبیر.
- بختیاری، سردار اسعد جعفرقلی خان (۱۳۷۲)، *خاطرات سردار اسعد بختیاری*، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- بهار، ملک الشعراء (۱۳۸۶)، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- پاولوویچ تریا، س. ایرانسکی (۱۳۷۴)، *سه مقاله درباره نهضت مشروطه ایران*، ترجمه م. هوشیار، چاپ پنجم، تهران: جیبی.
- پرتو، افشین (۱۳۹۱)، *گیلان و خیزش جنگل*، رشت: نشر فرهنگ ایلیا.
- پورمحمدی املشی، نصرالله (۱۳۸۶)، «نگرشی جامعه‌شناختی به جنبش روستایی گیلان در عصر مشروطه»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ*، سال دوم، شماره هفتم، صص ۵۱-۷۱.

- جاوید، سلام الله (۱۳۵۸)، *گوشه‌ای از خاطرات نهضت ملی آذربایجان*، چاپ: بی‌نا.
- جنگلی، اسماعیل (۱۳۵۷)، *قیام جنگل*، تهران: جاویدان.
- جهانبانی، امان الله (۱۳۴۰)، «خاطراتی از اوضاع قبل از کودتای ۱۲۹۹»، *سال نامه دنیا*، بی‌جا، تهران: انتشارات نوین.
- رواسانی، شاپور (۱۳۶۰)، "نهضت میرزا کوچک خان جنگلی"، *فصل‌نامه‌ی سیاست*، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۴، شهریور.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۴)، (الف)، «نهضت جنگل و بنیان‌گذار آن میرزا کوچک جنگلی»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، س ۲۰، ش اول و دوم (پیاپی ۲۱۸-۲۱۷)، مهر و آبان، ص ۷۸-۹۳.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۴)، (ب)، «نهضت جنگل و بنیان‌گذار آن میرزا کوچک جنگلی»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، س ۲۰، ش ۳ و ۴ (پیاپی ۲۲۰-۲۱۹)، آذر و دی، ص ۹۵-۸۲.
- روشار، فیلیپ (۱۳۷۴)، «اصلاح طلبی و سنت، جنبش جنگل از ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰ه. ش»، *ترجمه‌ی ع. روح بخشیان، گیله‌وا*، س ۴، شماره ۳۴، آذر و دی، ص ۱۲-۸.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۶)، "میلاد زخم، جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران: نشر اختران
- شایسته، فریدون (۱۳۸۹)، «جنبش جنگل از پیامدهای انقلاب مشروطه»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال ۲۵، شماره ۱ و ۲، (پیاپی ۲۷۸)، ص ۱۵۲.
- صبوری دیلمی، محمدحسن (۱۳۵۸)، *نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه‌ی جنگل*، تهران: مظاهری.

- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۵۷)، *آزادی و سیاست*، تهران: انتشارات سحر.
- طالقانی، میرزا محمد تمیمی (۱۳۸۹)، *دکتر حشمت که بود، جنگل گیلان چه بوده*، تهران: نشر رسانش.
- طباطبایی، محمد محیط (۱۳۵۰)، *نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین*، قم: دارالتبلیغ اسلامی.
- عظیمی دوبخشری، ناصر (۱۳۸۱)، *تاریخ تحولات اجتماعی و اقتصادی گیلان*، رشت: نشر گیلکان.
- فاطمی نژاد، احمد (۱۳۹۴)، «منطقه‌گرایی نهادمحور در آسیای جنوبی، کار آیی سنجی سارک، سپتا، سفتا»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال هفتم، شماره ۲، ص ۱۲۴-۹۴.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۴)، *سردار جنگل*، تهران: جاویدان.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۲)، *گیلان در جنبش مشروطیت*، تهران: فرانکلین.
- فرخ، مهدی (۱۳۴۴)، *خاطرات سیاسی فرخ معتصم السلطنه*، تهران: جاویدان.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۳)، *اصول روابط بین‌الملل*، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- کتابی، احمد (۱۳۶۳)، *میرزا کوچک خان*، تهران: معصومی.
- کسروی، احمد (۱۳۵۹)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد (۲۵۳۷)، *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*، تهران: سپهر.
- کشاورز، فتح اله (۱۳۷۱)، *نهیضت جنگل اسناد و گزارش‌ها*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

- کیانوری، نورالدین (۱۳۷۱)، *خاطرات نورالدین کیانوری*، تهران: نشر نگاه تهران، اطلاعات.
- گیلک، محمدعلی (۱۳۷۱)، *تاریخ انقلاب جنگل*، رشت: گیلکان
- مدنی، میراحمد (۱۳۷۷)، *جنبش جنگل و میرزا کوچک خان: خاطرات میراحمد مدنی*، عضو شورای اتحاد اسلام و مدیر روزنامه پرورش، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- مستشارالدوله، میرزا یوسف خان (۱۳۶۳)، *رساله یک کلمه*، به کوشش صادق سجادی و هما رضوان، تهران: تاریخ ایران.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، تهران: زوار.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳)، *تاریخ مشروطیت ایران*، تهران: نشر علمی.
- ملک‌خان، میرزا (بی‌تا)، *مجموعه آثار ملک‌خان*، گردآوری محیط طباطبایی، تهران: علمی.
- هدایت، مهدی قلی، *مخبر السلطنه (۱۳۷۵)*، *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار، چاپ پنجم، ص ۳۱۷

نشریات

- *روزنامه جنگل (نشریه نهضت جنگل)*، شماره دوم، ۱۲۹۶، ۲۷ خرداد (۲۶ شعبان المعظم ۱۳۳۵ ه. ق- ۱۷ ژوئن ۱۹۱۷ م.)- ص ۱-۱۳.

لاتین

- Brown, Oli, Mazukisi Qobo and Alejandra Ruiz-Dana. (2009). Conclusion: The Role of Regional Trade Integration in Conflict Prevention, in Khan, Shaheen Rafi (ed). *Regional Trade Integartion and Conflict Resolution*. London and New York. Rutledge, pp. 209-227.

- Buzan, Barry (1991). *People State and Fear*, Colorado, Lynne Reiner Publishers.
- Keohane, Robert O. (1984). *After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy*, New Jersey: Princeton University Press.
- Mitchell, McLaughlin Sara and Paul R. Hensel. (2007). International Institution and Compliance with Agreements, *American Journal of Political Science*, Vol. 51. No. 4, pp. 721-737. Haftendorn, Robert R. Keoghan and Celeste A. Wall Ander (eds), *Imperfect Union: Security Institution over Time and Space*, New York: Oxford University Press, pp. 21-47.
- Wilander, Céleste A. et al. (1999). *Ris, Thread, and Security*, Institutions in Helga.